



پرتوی بر هیأت‌های مذهبی

اگر نهادهای اجتماعی را مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری پایدار، یا نسبتاً پایدار، تلقی کنیم که به مرور زمان، به‌منظور ارضای نیازهای انسانی شکل گرفته‌اند، در آن صورت، می‌توان به این نتیجه نزدیک شد که این نهادها، شیوه‌های سازمان‌یافته و الگو یافته‌ی اجرای‌کنش در جامعه محسوب می‌شوند. کنش انسانی نیز، به‌نوبه‌ی خود، برآمده از نیازهای مختلف انسانی است و هر کدام از نهادهای اجتماعی نیز، پاسخ‌گوی بخشی از این نیازها هستند. این نهادها، برخلاف سازمان‌های اجتماعی، دارای هویت و تشکیلاتی رسمی نیستند و عموماً از دل شیوه‌های قومی، و ویژگی‌های فرهنگی هر جامعه، سر برآورده‌اند.

آنچه در تحلیل‌های محققان مورد توجه قرار می‌گیرد، پرتوافکنی بر زوایای ناشناخته، و یا کم‌تر شناخته شده‌ی نهادهای اجتماعی است. در این میان آنچه رخ می‌دهد این است که برخی از محققان به جنبه‌های آیینی و نمایشی این نهادها نظر افکنده‌اند و شماری دیگر نیز بر کارکردهای ابزاری و عمومی بودن آن توجه نشان داده‌اند. گروهی از پژوهشگران، برای نهادهای اجتماعی ویژگی‌هایی نظیر حمایت‌گرومی و احساس هویت جمعی را ذکر کرده‌اند و برخی دیگر نیز، تأمین هزینه‌ها، شرکت آزادانه و وجود تشکیلات غیررسمی را، عده‌ای، بُعد اقلیمی - جغرافیایی و سطح تکنولوژی و نوع برخورد اجتماعات انسانی با طبیعت پیرامون و تأثیر نیروهای تغییرآفرین اجتماعی را مورد مذاقه، قرار داده‌اند.

شماری دیگر از پژوهشگران، همانند ارنست ترولچ، جامعه‌شناس آلمانی، از دیدگاه نوع و چگونگی سازمان اجتماعی دینی - فرقه، کلیسا - به تبیین و تحلیل موضوع پرداخته‌اند.

با توجه به توضیحات بالا، هیأت‌های مذهبی را نیز می‌توان در ردیف «نهادهای مردمی» تعریف کرد. این نهادها، علی‌رغم تأثیرگذاری و اهمیتی که در زندگی جمعی جامعه‌ی ما داشته‌اند، چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند. بنابراین، و فارغ از چند و چون بسیار در این مورد، آنچه «اندیشه جامعه» را بر آن داشت تا به کنکاشی پیرامون هیأت‌های مذهبی پردازد، تنها انگیزه‌ی متواضعانه‌ی «طرح مسأله» بوده است. لاجرم، به طرح این پرسش پرداخته‌ایم که جایگاه نهادهای سنتی، از جمله هیأت‌های مذهبی، در شرایط امروزین ایران، کجاست؟ و اصولاً، آیا در این شرایط، امکان دارا بودن کارکردهایی سودمند و کارآمد، برای این هیأت‌ها فراهم است؟ آیا این کارکردها امکان بازسازی دارند و یا بازآفرینی آن‌ها تلاشی است در بیراهه راندن؟ تطوّر کارکردی این نهادها چگونه بوده است؟ و جایگاه و گونه‌های کنونی‌اش چیست؟

در این «جستار» به پاسخ بخش‌هایی از این پرسش‌ها پرداخته‌ایم؛ هر چند شاید این پاسخ‌ها، به اقتضای محدودیت‌های موجود و چهارچوب‌های نظری متفاوت، از قدرت تعمیم‌پذیری کم‌تری برخوردار باشند. با این همه، بر آنیم تا با تذکار و آثار سایر پژوهشگران پرتوهای دیگر نیز به زوایای آن بیفکنیم.